ای نصیر ای عبد من تالله الحقّ غلام روحی با رحیق ابهی در فوق کلّ رؤس الیوم ناظر و واقف که که را نظر بر او افتد و من غیر اشاره از کفّ بیضایش اخذ نموده بیاشامد ولکن هنوز احدی فایز باین سلسال بی‌مثال سلطان لا یزال نشده الّا معدودی و هم فی جنّة الأعلی فوق الجنان علی سرر التّمکین هم مستقرّون تالله لن یسبقهم المرایا و لا مظاهر الأسمآء و لا کلّ ما کان و ما یکون إن أنتم من العارفین

ای نصیر این نه ایّامی است که عرفان عارفین و ادراک مدرکین فضلش را درک نماید تا چه رسد بغافلین و محتجبین و اگر بصر را از حجبات اکبر مطهّر سازی فضلی مشاهده نمائی که از اوّل لا اوّل الی آخر لا آخر شبه و مثل و ندّ و نظیر و مثال از برایش نه‌بینی ولکن لسان الله بچه بیان ناطق شود که محتجبان درک او نمایند و الأبرار یشربون من رحیق القدس علی اسمی الأبهی من ملکوت الأعلی و لم یکن لدونهم من نصیب